

# بمناسبت تجدید طبع

مجموعه حکیم نظامی

بقلم : استاد ادب مرحوم وحید

## تصحیح خمسه نظامی

سبب ظهور غلط و سقط و تحریف - پر غلط ترین دیوان شعر تصحیح  
بذوق و سلیقه - اشعار الحاقی - کیفیت تصحیح - شرح آیات و لغات  
تقریظ و انتقاد - جواب حاسدان و دشمنان نظامی

سبب ظهور غلط } سبب ظهور غلط و پیدایش سقط و تحریف در کتب و دو اوین نظم  
و سقط و تحریف } و نثر دو چیز است :

اول - دور بودن معنی شعر از ذهن عوام که بیشتر قلم کتایت در دست آنان و

غالباً مصداق قضیه حینیه لادائمه منطقی معروف میباشند .

دوم - کثرت استنساخ و تعداد کاتب که بطبع باعث ظهور غلط و اشتباه میشود

کتب و دو این شعر اساتید باستان هیچیک از این بلیه مصون نبوده و اگر گاهگاه در طی  
ادوار و روزگارهای پیشینه سخن شناسان در آن در اوین مداخله و تصرف تصحیح  
و مقابله نمیکردند قلم کاتب تا کنون هیچ دیوان و دفتر ناقصی هم چنانچه الان باقیست  
برای ما باقی نگذاشته بود .

پر غلط ترین } دو اوین شعر اساتید باستان چنانکه گفتیم هیچیک از این خطر مصون  
دیوان شعر } نیستند حتی دیوان شیخ بزرگوار سعدی شیرازی با آنهمه شهرت و  
نزدیکی بد ذهن عوام بینهایت مغلوب و اگر کسی بانسخ کهن سال مقابله کند بخرابی و

اغلاط بسیار آن بی خواهد برد. آری دیوان شیخ بزرگوار محتاج بتصحیح کامل و طبع صحیح است.

در میان تمام دوا این دیوان حکیم بخاقانی و دیوان حکیم نظامی از همه مغلوط تر و خراب تر و نیز دیوان نظامی ده برابر دیوان خاقانی غلط و سقط و تحریف دارد. علت هم چنانچه گفته شد کثرت استنساخ است که شاید هیچ دیوانی باندازه نظامی استنساخ زیاد نشده و در دست کاتبان دچار سقط و تحریف نگردیده است.

تصحیح بذوق و بهلیقه } علت الملل وجود این همه اغلاط در دیوان نظامی علاوه بر آنچه گفتیم  
تصحیح کاتبانست بذوق و سلیقه خود که گذشته از سهو و اشتباه

هر کاتبی هر بیت یا مصراع یا کلمه را نفهمیده پیش خود غلط فرض کرده و بدون مراجعه و پرسش از اساتید سخن یا رجوع بدفتر دیگر مطابق ذوق تصحیح کرده و در نتیجه اینگونه تصحیحات از هزاران کاتب بیذوق نادان دیوان استاد بزرگ سخن بدین روز تباہ افتاده است. از باب مثل تصحیحاتی که کاتبان در یک بیت کرده اند و در نسخ موجود ما وجود دارد و البته صد گونه تصحیح هم در نسخ دور از دست هاست ذیلا مینگاریم. در این بیت:

رتال جامع علوم انسانی

مرا در کویت ایشمع نکومی      فلک پای بز افکند است گومی

کاتب خیال کرده است که پای بز در اینجا معنی ندارد و غلطست از این جهت بذوق خود یکی تصحیح کرده است (فلک شمعى در افکندست گومی) دیگری نوشته (فلک شمعى پراکندست گومی). (فلک شمعى فرو کرده است گومی). (مرا بیرون تر افکند است گومی). (فلک پای در افکندست گومی). (فلک پدمی پراکند است گومی). (فلک دانه پراکند است گومی). (فلک دانه پراکند است گومی).

طبع این مصراع هزارها در دفتر از پیش دفتر نظامی وجود دارد:

بزرگترین جنایت و خیانتی که نسبت بدیوان نظامی معمول شده گنجانیدن اشعار الحاقی است. تاریخ این جنایت و جانی ناپاک معلوم نیست و همین قدر اجمالا معلوم و مسام است که در اواخر هفتصد هجری یکنفر کاتب وزان یا چند نفر این کار را شروع کرده و در مقامات مختلف شعرهای بی ربط گنجانیده و جای داده اند و در خسرو شیرین بیشتر از سایر دفاتر وی این جنایت تعقیب شده است. الحاق شعر در یک قصیده یا یک غزل و قطعه از اساتید کاری مشکل است و از عهده وزان خارج و شاعر حقیقی هم هرگز چنین کاری نخواهد کرد و بدین سبب دو اوین قصیده و غزل اساتید ازین بلبه محفوظ مانده است،

این جنایت فقط نسبت بمثنویات معمول شده و البته دیوان حکیم فردوسی هم از این جنایت بر کران نیست چنانچه در شاهنامه امیر بهادری یک صفحه تمام یکنفر از شعرای زنده کنونی شعر الحاق کرده و خودش هم منکر این عمل نیست.

خمسه نظامی بمناسبت شیرینی سخن و دلپسندی افسانه بیشتر از هر هثنوی مورد مطالعه و خواندن واقع شده و یک کاتب وزان یا چند نفر وزان بتدریج مطابق ذوق خود اشعار مهملی الحاق کرده اند و کم کم در حدود هشتصد و نهصد در تمام نسخ وارد شده است.

علامت شعرهای الحاقی سستی و فرومایگی و بدون تناسب جای گرفتن است و نسخی که در حدود هفتصد هجری تا هفتصد و پنجاه نوشته شده بکلی از اشعار الحاقی منزّه و مبری میباشد

اشعار الحاقی در خسرو و شیرین بیش از همه دفاتر و در قسمت فرهاد و شیرین بیشتر از سایر قسمتها وجود دارد در یک نسخه از نسخ موجود ما یک شاعر الحاق کننده افسانه بنام (گرا) برای (طاق گرا) درست کرده و گرا را رقیب دیگری مانند فرهاد برای خسرو پرورش داده ولی این افسانه چون هیچ سابقه از نظامی ندارد و یک بیت هم نگفته است که بتوان آنرا پرده رخسار قباح اشعار الحاقی قرار داد

ازین سبب در تمام کتب خطی و چاپی وارد نشده و گوئی کاتبان هم بالحاقی بودن آن پی نبرده ازین سبب باستنساخ نپرداخته اند. شایسته چنان بود که اشعار الحاقی بکلی از دیوان حکیم نظامی دور گردد ولی چون در نسخ چاپی و اغلب نسخ خطی بتفاوت این ابیات نگاشته شده و احتمال داشت بعضی از بدینسان نسبت حذف ابیات حکیم نظامی را بما بدهند ازین سبب بترك آنها نگفته و بنام الحاقی در ذیل صفحات با علامت (ابرو مانند) نگاشتیم و برای اهل ذوق البته اشارت همین ابرو در الحاقی و مهمل بودن این ابیات کافیهست. در لیلی و معجون و هفت پیکر و خردنامه و شرف نامه شعر الحاقی کمتر از خسرو و شیرین است و آنچه هست مادر ذیل صفحات بهمان شیوه خسرو و شیرین خواهیم نگاشت.

در مخزن الاسرار هم تقریباً پنجاه تا صد بیت الحاقی یافت میشود ولی در موقع طبع مخزن چون در باب اشعار الحاقی مشکوک بودیم آن ابیات را از متن جدا نکردیم و انشاءالله بایک مطالعه دقیق ثانوی و مقابله کامل دیگر آن ابیات را هم جدا کرده و در پایان مقدمه و شرح حالی که بضمیمه دیوان قصیده و غزل یک جلد جداگانه است خواهیم نگاشت.

تعجب ما از این است که در حدود هفتصد سال با اینهمه استنساخ و مطالعه اهل ذوق و ادب با اشعار الحاقی کسی پی نبرده یا اگر برده در این باب سخنی نگفته و ننوشته است! و شاید هم از اهل فضل و ذوق کسی بدین جنایت اشارت کرده و نوشته باشد ولی بنظر قاصر مانرسیده است.

فقط پس از ختم خسرو شیرین یعنی در حدود آذر ماه ۱۳۱۳ شمسی بوسیله مهین مستشرق شعر شناس دانشمند پرفسور ریپکا که از طرف دولت چک و اسلواکی در کنگره جشن هزار ساله فردوسی سمت نمایندگی داشت و بحکم ذوق سلیم از جمله مستشرقان نظامی برست است دو جلد کتاب تازه طبع از نظامی برهی عنایت گردید که در آن دو کتاب با اشعار الحاقی اشارت رفته است.

یکی از آن دو کتاب (هفت پیکر یا بهرام نامه) نظامی است که خود پرفسور ریکا پس از مقابله با چندین نسخه کهن سال از کتابخانه‌های اسلامبول در اسلامبول بطبع رسانیده و از هر جهت زحمات بی پایان در آن برده و در نسخ چاپی و خطی که تا امروز در دستها بوده و هست چنین نسخه صحیح کاملی وجود نخواهد داشت. در طبع هفت پیکر که شاید سال دیگر آغاز شود این نسخه نفیس برای ما کمک بزرگ است و در حقیقت تمام نسخ کهن سال نظامی موجود در کتب خانه‌های اسلامبول را در دسترس ما برای مقابله و تصحیح خواهد گذاشت.

شرح و بیان خصوصیات و کلیه محسنات این نسخه را من بعد خواهیم نگاشت نسخه دیگر از یک مستشرق آلمانی (پرفسور هوه و وودا) که قسمت فرهاد و شیرین را با کمال دقت و مقابله از روی نسخ کهن سال تصحیح و طبع و به آلمانی ترجمه کرده و اشعار الحاقی را در ذیل قرار داده هر چند تمام اشعار الحاقی را از متن بیرون نیاورده ولی تا همین درجه هم جای بسی سپاس و شکر است.

کیفیت تصحیح در تصحیح و مقابله خمس نظامی بدین روش و ترتیب که ما همیشه است و وباسی نسخه کهن سال بمقابله میبریم تقلید از روش مستشرقان اروپائی امکان پذیر نبود. و نمیتوانستیم يك نسخه از نسخ کهنه را متن و بقیه را حاشیه قرار دهیم.

زیرا در این صورت متن کتاب صحیح نمیشد و ناگزیر يك قسمت از اغلاط در متن جای میگرفت و نیز لازم می آمد که در هر صفحه فقط سه چهار بیت گنجانیده و بقیه صفحه را بنسخ مختلف و اغلاط گوناگون که نگارش همه بیفایده است اختصاص دهیم.

و در این صورت هیچکس از عهده بر نمی آمد که صحیح یا اصح را در حواشی پیدا کند و غلط را کنار بگذارد.

بعلاوه بسیار اتفاق می افتاد که در يك بیت پنج شش غلط در پنج شش کلمه وجود داشت و هر غلطی در يك نسخه از سی نسخه بتصحیح میبوست و مصراع (فلك پای بزا فکند است گوئی) نمودار است از بسیار و مثنی از خروار در این صورت تکلیف چه بود و چگونه

شعر صحیح را از غلط با روش تقلید اروپائی ممکن بود بخواننده نشان داد. این تقلید در سایر دو این شعرا ممکن است زیرا در هر صفحه پنج شش و منتهی ده غلط بیشتر نیست ولی در خمسه نظامی امکان ندارد زیرا هر صفحه چنانچه مکرر گفته ام مشتمل است بر صد غلط و چندین سقط و تحریف و تقدیم و تأخیر بعلاوه اشعار الحاقی.

پس بدین سبب ما بکلی از تقلید صرف نظر کرده و نسخه اصح را بتصدیق ذوق سلیم متن و صحیح را حاشیه و غلط را بکلی ترك کردیم.

این نکته هم نگفته نماند که در تمام تصحیحات از اول تا آخر کتاب بذوق و سلیقه خود یا کسی دیگر هیچ کلمه و تغییر و تبدیل نداده و نمیدهم زیرا از مفاسد این کار زشت مطلعیم و میدانیم که همین عمل باعث این همه اغلاط و سقط و تحریفها شده است. هر گونه تصحیحی که در خمسه نظامی شده مطابق با نسخ صحیح کهن سال است و نسخ خطی از هزار سال هجری باین طرف و چاپی راهم مورد اعتنا نداده و قابل مقابله ندانسته ایم دوستان و رفقای ادبی و دستیاران تصحیح ما آنچه را مینگاریم بچشم دیده اند و پس از ختم کتاب هم امیدواریم بتوانیم این نسخ کهن سال را در کتابخانه محترم معارف یادگار گذاشته و سند تصحیحات خود را بدسترس عموم بگذاریم.

نسخه های کهن سال و شروح } نسخ کهن سالی که ما را در دست است و در ظرف مدت سی سال بتدریج تهیه شده و اغلب آنها ناقص و اوراق پس و پیش و افتاده

دارد و بعضی را هم یهودیان برای سرلوح و صورت مثله کرده اند بیست و پنج نسخه است که در حدود ششصد و پنجاه هجری قمری تا نهمصد و هزار نوشته شده. پنج نسخه کهن سال هم در همین حدود از دوستان و دستیاران ادب برسم امانت موجود است برای مخزن الاسرار چنانچه در پایان آن نوشته ایم دو شرح مفصل هم در دست داشتیم که بتصحیح ما خالی از کمک نبود ولی برای خسرو و شیرین و لیلی و منجنون و هفت پیکر هیچگونه شرحی بدسترس ما نیست برای خردنامه و شرحنامه چندین شرح در هندوستان نگاشته شده و همه اینک ما را در دست است و البته خالی از فایده نخواهد بود. از دیوان قصیده و غزل نظامی هم بوسیله دوست فاضل و دانشمند خود (سید نورالله خان ایرانپرست) مقیم کلکته

که خداوندش محفوظ دارد تاکنون چند نسخه بدست ما رسیده و مخصوصاً يك نسخه از آنها که یکی از فضلاء و شعرای بزرگ هندوستان برای طبع تصحیح و مقابله کرده ولی از راه لطف برای ما فرستاده و خود از طبع کردن صرف نظر کرده است حائز اهمیت و و کمك بسیار بتصحیح ما خواهد کرد .

دیوان قصیده و غزل نظامی آنچه از جنک‌ها و سفینه‌ها تهیه شده با نسخ مختلفه هندوستان در حدود سه هزار بیت خواهد شد که انشاء الله پس از تصحیح و تدقیق کامل با مقدمه و شرح حال سال دیگر در یک جلد انتشار خواهد یافت .

شرح اییات و لغات نظامی یکی از کارهای بسیار سخت و مشکل و معروفست که جامی شرحی بر خمه‌سه نظامی نوشته و در آخر شرح

چنین نگاشته :

سیصد بیت لاینحل باقی است که روز قیامت دامن نظامی را گرفته و از خودش معنی و شرح آنرا خواهم خولست .  
شرح جامی را ماهنوز ندیده‌ایم و نمیدانیم این سخن هم حقیقت دارد یا نه و در هر حال این نظامی که از طرف اداره ارمغان درشش مجلد بتدریج منتشر میگردد دارای شرح و ترجمه لغات و اییات و شعر لاینحلی برای روز قیامت بجای نمانده است و از اول تا آخر سی چهل بیت مشکوک بیشتر باقی نیست . مسلم پس از انتشار تمام این نسخ آنچه دیوان نظامی خطی و چاپی در عالم هست بیفایده و فقط نسخ خطی از بابت جلد و خط و نقاشی دارای قیمت خواهد بود و هر کس طالب خواندن دیوان نظامی است از داشتن یک دوره تمام ناگزیر است .

امیرعلیشیر نوائی ممدوح جامی که خود نیز شاعر و صاحب دیوان شعر فارسی و ترکی است شرحی بر دیوان نظامی نوشته ولی با همه جستجو ما را بدست نیامد تنها نامی از آن در کتب لغت فارسی تألیف هندوستان دیده‌ایم و البته نسخه آن شرح در هندوستان وجود خواهد داشت .

تقریظ | با همه دقت و صرف وقت بی نظیر که ما در ظرف چندین سال در تصحیح و انتقاد | و شرح ابیات و ترجمه لغات این دیوان بکار برده ایم البته چنانچه رسم انسان است از سهو و نسیان و نادانستن دور نیستیم و ممکن است لغزشها و خطاهائی را مرتکب شده باشیم پس هر کس از دوستان ادب و خداوندان ذوق از دور و نزدیک بعد از مطالعه دقیق بسهو و خطائی پی برد یا نسخه کهن سال صحیحی در دست داشت و تصحیحی کاملتر از آن توانست نسبت بیک بیت یا چند بیت معمول دارد هر گاه برای ما بفرستد با نهایت شکران و امتنان پذیرفته و هر گاه کتاب ختم نشده است در خود دیوان و گرنه در مجله ارمنان بنام او خواهیم نگاشت و مخصوصاً خواهشمندیم از تمام فضلا و ادبای دور و نزدیک که هر گونه تقریظ یا انتقادی در این باب دارند از راه لطف با داده ارمنان برای طبع ارسال دارند.

جواب حاسدان } بی هنرانی چند در هر عصری از اعصار و دوری از ادوار وجود دارند  
و دشمنان نظامی } که همواره لاغ گوئی و یاوه سرائی را عادت کرده و پیوسته اهل هنر را هدف تیر طعن و نکوهش غرض آمیز قرار میدهند.

این گروه در زمان نظامی هم فراوان بوده و هر دفتری از پنج دفتر نظامی که منتشر میشد چون غریب و تازه وارد و سخن بکر بود آن سگان غریب آزار به عو عوفتاده و از هیچگونه بدگوئی فراموش نمیکردند بحدی که نظامی با آن همه عفت و عصمت طبع ناگزیر در هر دفتری چند بیت در نکوهش آنان سروده است .

گوئی فرزندان همان پدران امروز هم موجودند و هر نسخه از نسخ نظامی که پس از تصحیح و تشریح کامل منتشر میگردد عو و کنان بر طینت خور تنیده و نه تنها بما بلکه استاد بزرگ باستان هم زبان جسارت دراز و بلاهت و حماقت خود را بهالمیان ثابت میسازند.

مادر جواب این اشخاص خود سخنی نگفته و فقط چند بیت از ایاتی که حکیم نظامی در نکوهش و تادیب بدران زشت آنان سروده در پایان مقاله اکتفا کرده و حکمیت را بخداوندان ذوق و ادب و فضل واگذار میکنیم .



### در پایان مخزن الاسرار فرماید:

بیهزی دست بدان در زند	گرهنری سرزمیان برزند
تا هنرش را بزیان آورند	کسار هنرمند بجان آورند
جزخلل و عیب ندانند جست	چشم هنرین نه کسی را درست
بیهنر و برهنر افسوس گر	عیب خرنند این دوسه ناموس گر
باد شوند از بچراغی رسند	دود شوند از بد دهانگی رسند
منکر دیرینه چو اصحاب نوح	برسخن تازه تر از بیاباغ روح
وی نفس نوح دعائی بکن	ای علم خضر غزائی بکن

### در پایان خسرو شیرین فرماید

همه کس نیک خواهد خود نباشد	سخن بی حرف نیک و بد نباشد
بداند کاین نمط طرزی غریب است	ولی آن کز معانی با نصیب است
غریبان را سگان باشند دشمن	اگر شیری غریبان را میفکن
مرازد تیغ و شمع خویش را کشت	بسا منکر که آمد تیغ در مشت
درازش از زبان آمد سوی گوش	بسا گویا که با من گشت خاموش
خری باچار پا آمد فرا دست	جو عیسی بر دوزان ویش بنشست



چو تر کانش جنیبت میکشم پیش	تحمل بین که بینم هندوی خویش
که این گنجشک را گویم زهی باز	که آن بی پرده را موزون کنم ساز



دهندش روغنی از زهر ایاغی	زهر کشور که برخیزد چراغی
ز باد سردش افشانند کافور	و راینجاعنبر بن شمعی دهد نور
بس هر نکته دشنامی شنیدن	بشکر زهر میباید چشیدن
گریبانم ز سنک طعنه ها پر	من از دامن چو دریا ریخته در



پدر هندو مادر ترك طناز  
 غلط گفتم که گنجی و اژدهائی  
 چراغی بر چلیپائی نهاده  
 چراغ از قبله ترسا جدا کن  
 عبارت بین که طلق اند و خونست  
 سرو بن بسته در توحید معراج  
 در آغاز لیلی و مجنون فرماید

دور از من و تو بژاژ خانی  
 تعریض مرا گرفته در دست  
 در طنز گری کران نور دست  
 چون چشمش نیست کی بود شرم  
 آزاد نبود ازین طلایه  
 از چرك دهان سك چه باکست  
 سرخ است رخم زخون جوشان  
 اما نه ز روی تلخ روئی  
 که الا شب چهارشنبهی نیست  
 بد میکند اینقدر نداند  
 بد نام کنی زهمرهان داشت  
 از حقد برادران نمی رسد  
 می برد جفای هر جهودی  
 هم خسته خار بو لیب بود

وین گفته که شد نگفته بهتر  
 بی غیرتی است بی زبانی

نگاری ا کدش است ای نقش دمساز  
 مسی پوشیده زیر کیمیائی  
 دری در ژرف دریائی نهاده  
 تو در بردار و دریا را رها کن  
 مبین کاشکی را رهنمونست  
 عروسی بکر بین با تخت و با تاج  
 در آغاز لیلی و مجنون

حاسد ز قبول این روائی  
 چون سایه شده پیش من پست  
 سایه که تقیصه ساز هر داست  
 طنزی کند و ندارد آزر  
 پیغمبر کو نداشت سایه  
 دریای محیط را که پاکست  
 هر چند ز چشم زرد کوشان  
 چون بحر کنم کناره شوئی  
 در منکر صنعتم بهی نیست  
 بیند هنر و هنر نداند  
 هر ناموری که او جهان داشت  
 یوسف که ز ماه عقد می بست  
 عیسی که دمش نداشت دودی  
 احمد که سر آمد عرب بود



دانم که غضب نهفته بهتر  
 لیکن بحساب کار دانی

آنکس که ز شهر آشنایست      داند که متاع ما کجایست  
وانکو بکزی بمن کشد دست      خشمش نه منم که جز منی است  
در هفت پیکر و خردنامه و شرفنامه نیز از ناکسان و بیهنران و حسودان نکوهش  
فرموده و سخن را بهمینجا پایان میدهیم .

## عبدالواسع جبلی غر جستانی

عبدالواسع سیدی جلیل و درفتون ادب کامل بوده، بهر دوزبان پارسی و تازی  
نظم و نثر داشته، وی را فریدالدهر - یا - فریدالزمان میخوانده اند: پیش از اینم فرید  
خواندندی.

خاتم الشعراء، نورالدین عبدالرحمان جامی، در بهارستان میگوید: اتفاق است  
که هیچ کس از عهدۀ جواب این قصیده عبدالواسع جبلی بیرون نمی آید:

بنفشه موی و لاله بوی و نرگس چشم و نسرين بر

نباشد چون جبین و زلف و رخسار و لب تهر گز

مه روشن شب تیره گل سوری می احمر

ز درد و حسرت و اندیشه و تیمار تو دارم

جگر گرم و نفس سرد و لبان خشک و دود دیده تر

بگردار دل و عیش و سرشک و شخص من داری

دهان تنک و سخن تلخ و لبان لعل و بیان لاغر

حمدالله مستوفی قزوینی در تاریخ گزیده مینویسد: عبدالواسع بر زگر بود،

سلطان سنجر او را در پنبه زاری دید که در پی شتری افتاده میگوید:

اشتر صراحی گردنا دانم چه خواهی گردنا

گردن درازی کرده‌ای پنبه بخواهی خوردنا

سلطان دروی لطف طبع یافت مشمول عنایت و تربیتش ساخت \*

سنجر شعرای بزرگی داشت : امیر معزی نیشابوری ، ادیب صابر ترمذی ، حکیم

انوری ایپوردی ، عمق بخارائی ، رشیدالدین محمد و طوطو بلخی ، حکیم سوزنی سمرقند

سید حسن غزنوی - چون بیشتر گویندگان عصر سنجر اهل خراسان و ترکستان غربی

بودند بشعرا ترکستان معروف شده‌اند . و این فرزندان قدر اول در آسمان ایران

کار کهکشانشان می‌کردند ، یعنی برای رفع تاریکیهای متراکم روشنان خویشتاب آورند .

اوج و سعود کمال معارف اسلامی هم تا پایان روزگار سلجوقیان است و جلوه

خوشی که مسلمین در علم و ادب و فلسفه عرفان ، حتی فقه حدیث و تفسیر ، داشته‌اند

جزء اعظمش مدیون ایرانیان است .

عبدالواسع چکامه شیوانی دارد که مطلع آن اینست :

او بتی که چو یوسف بنکوئی مثلی

بچهره ماه و بعارض گل بلب عسلی

گهی ز سنبل پرتیاب فتنه زمنی

گهی بزرگس پر خواب مایه خیلی

ادیب صابر در اقتضای این چکامه قصیده نفی در مدح علی بن جعفر گفته است :

موسوی

زهی ز قد و رفت سرو لاله را خجلی

بسرو عقل ربائی بلاله دل کسلی

بسرو برگذری سرور را بود خواری

بیباغ اگر نبود سرو ، سرور را عوضی

براغ اگر نبود لاله ، لاله را بدلی